



ویژه نامه

آخر هفته

صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:

مهدی شفيعی

مدیر مسئول: علی عالی

دستیاران سردبیر:

آرمن ساروخانیان، رسول مجیدی، مجتبی رفیعی

سرویس فوتبال ایران:

ابراهیم افشار، فرشاد کاس نژاد، ناصر قراگزلو،

وصال روحانی، حمید رضا عرب، سعید آقایی،

جعفر برزگر، امیر اسدی، محمد قراگزلو، هومن

جعفری، اکبر منتشلو، سمیرا شیرمردی، بهناز

میرمطهریان، مهدیه دریابیگی، حسین قهار،

سامان موحدی، سام ستارزاده، نوید صراف،

سالار علیخواه، مجتبی صدوقی، پویا جاویدان،

احسان محمدی، علی مغانی

سرویس ورزش جهان:

اشکان نعمت پور، یاسر احمدی،

سیدعلی بلند نظر، حمید کشاورز

سرویس ورزش ایران:

آزاده پیراکوه، محسن وظیفه، رضا عباسپور،

محسن آچرلو، ناصر انصافی مقدم،

شکوفه موسوی، وحید جعفری

مدیر هنری: محسن ذاکری

صفحه آرایی: فرشید بهاری، حامد حسینی، علی

عباسی، نسرين کاظمی

عکس: نعیم احمدی

طرح جلد: شهاب جعفر نژاد

ویراستاران: مسعود قراگزلو، علیرضا عبدالوند،

مهرداد افشار، فرشته معتمدی، معصومه

مهدوی روشن، لیلا امیری، سیده زهرا آرامی

روابط عمومی: سمیه مهدی پور

سپاس ویژه از

بهمن فروتن، مجید جلالی، جلال چراغپور،

شهاب پاک نگر، رضا درویش

لیتوگرافی: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

چاپ: ایرانیان

آدرس: تهران، خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸

تلفن: ۱۴-۴۸۸۵۰۴۱۱۳ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳

امور مشترکین: ۹۲۲۲۲۴۳۸

سازمان آگهی: ۸۸۵۰۰۶۱۷



فوتبال ایران، غرق در مشکلات کهنه

کسی می تواند جلوی این سقوط را بگیرد؟

بازی‌های آسان کمک می‌کند موقعیت خوبی در رنکینگ پیدا کنیم، ولی عیار واقعی زمانی مشخص می‌شود که با تیم‌های مطرح سایر قاره‌ها روبه‌رو می‌شویم.

جام جهانی معیار دقیق‌تری برای بررسی کیفیت فنی فوتبال ایران است. تیم ملی توانسته پنج بار به جام جهانی صعود کند و تنها دو پیروزی مقابل آمریکا (۱۹۹۸) و مراکش (۲۰۱۸) داشته است. سقف آرزوی فوتبال ایران صعود به مرحله حذفی جام جهانی است. البته با شروع ضعفی که در مقدماتی جام جهانی قطر داشتیم، حتی صعود به مرحله نهایی هم به مخاطره افتاده و یادآور دهه ۶۰ و ۷۰ است که عبور از سد حریفان آسیایی به تنهایی پروژه‌ای پیچیده بود.

واقعیت این است که موفقیت‌های تیم ملی در دوره کی‌روش بیشتر نتیجه کار گلخانه‌ای بود و فوتبال ایران با وجود هیاهوی فراوانش نتوانسته از نظر فنی توسعه پایداری را تجربه کند. این روزها که استخدام بازیکنان خارجی برای لیگ بیستم ممنوع شده، فقر بازیکن در فوتبال ایران بیشتر آشکار می‌شود. در اکثر پست‌های کلیدی بازیکن استاندارد به اندازه کافی وجود ندارد و باشگاه‌ها برای ترمیم نقاط ضعف‌شان بلا تکلیف هستند. اگر از چند باشگاه انگشت‌شمار مثل فولاد خوزستان بگذریم، آنها در بخش پایه عملکرد ضعیفی داشته‌اند و محصولات خروجی این بخش به ندرت می‌توانند گره‌ای از تیم اصلی باز کنند.

فساد فوتبال واقعی است؟

از مشکل درآمدزایی و ولخرجی‌ها که بگذریم به فساد پنهانی می‌رسیم که عامل سوم مشکلات مالی فوتبال ایران است. سال‌هاست که درباره ارقام مشکوک نقل و انتقالات حرف و حدیث‌هایی شنیده می‌شود. بازیکنان و مربیان گاهی با چند برابر رقم‌شان جابه‌جا می‌شوند و ظاهراً علاوه بر واسطه‌ها بخش‌های دیگری هم از این حق انتقال سهم می‌برند. تأسف‌آور اینکه سیستم نظارتی دقیقی برای بررسی این انتقالات مشکوک و ارقام جابه‌جا شده وجود ندارد و بدون چنین نظارتی اعتراضات هواداران و رسانه‌ها راه به جایی نخواهد برد.

اگر بخواهیم نگاه کلی‌تری به بحث فساد در فوتبال داشته باشیم، حتی می‌توان گفت تنها بخش‌هایی از فوتبال مورد توجه قرار می‌گیرد که گردش مالی بالایی دارد. شاید برای همین است که فوتبال پایه و بخش آموزش طرفدارانی ندارند و برای فعالیت در این بخش کسی سر و دست نمی‌شکند.

بحران چه زمانی تمام می‌شود؟

مشکلاتی که به آنها اشاره شد سال‌هاست که فوتبال ایران را احاطه کرده و ظاهراً راه خروجی از آنها وجود ندارد. گفته می‌شد که اساسنامه قدیمی راه ورود مدیران جدید به فوتبال را بسته و با تصویب اساسنامه جدید چهره‌های جدیدی می‌توانند وارد فوتبال شوند. مشکل بزرگ اما اینجاست که فوتبال ایران در بخش آموزش مدیران هم مثل آموزش مربی و بازیکن عملکرد ضعیفی داشته و این انتظاری خوش‌بینانه است که در آستانه انتخابات ناگهان مدیری ظهور و فوتبال ایران را متحول کند.

فوتبال برای خروج از این بحران قبل از هر چیز به نقشه راه جدیدی نیاز دارد. فوتبال ایران هم مثل ژاپن و چین باید دورنما و هدف بلندمدتی تعیین کند، بر اساس آن برنامه بچیند و نیروهای جدیدی تربیت کند که بتوانند این اهداف را محقق کنند. این برنامه توسعه باید تمام وجوه فوتبال مثل اقتصاد، زیرساخت‌ها، فنی و آموزش را در بر بگیرد. بدون چنین انقلابی بعید است فوتبال ایران بتواند از این وضعیت خلاص شود و گامی به جلو بردارد.

و پرسپولیس) موفق شده‌ایم به فینال برسیم؛ نشانه‌ای از در جا زدن باشگاه‌ها در سه دهه اخیر.

مدت‌هاست که فوتبال ایران نتوانسته به باشگاه‌ها کمک کند به منابع درآمدزایی استاندارد و پایدار برسند. حق پخش تلویزیونی گره‌ای است که هیچ‌کس نتوانسته آن را باز کند و کاهلی باشگاه‌ها اجازه نداده از سایر مسیرها به درآمد قابل توجهی برسند.

فدراسیون فوتبال هم در این زمینه دست‌کمی از باشگاه‌ها ندارد. تنها منبع درآمد فدراسیون که مدیرانش با افتخار هم از آن یاد می‌کنند، سهمی است که فیفا بابت صعود به جام جهانی در نظر می‌گیرد. کافی است به یاد بیاورید که فدراسیون در این سال‌ها حتی نتوانسته یک فروشگاه کوچک برای فروش پیراهن تیم ملی راه‌اندازی کند!

فوتبال ایران قرار است به کجا برسد؟

در سال‌های گذشته فدراسیون فوتبال بدون برنامه توسعه مشخصی پیش رفته است. مهمترین اتفاق فوتبال ایران حضور هشت ساله کارلوس کی‌روش بود و همین مربی پرتغالی با سخت‌گیری‌ها و اعتراضاتش توانست زمینه‌ساز اتفاقات مثبتی شود. او علاوه بر تغییر نسل تیم ملی و صعود متوالی به دو دوره جام جهانی، ایده ساختمان «پک» را داد و خودش هم بر اجرای آن نظارت کرد. همچنین اعتراضات او به کیفیت زمین‌های تمرین کمپ فدراسیون را مجبور کرد زمین تمرین استاندارد بسازد، هرچند این پروژه آنقدر طولانی شد که خودش نتوانست از آن استفاده کند.

فوتبال ایران در بقیه حوزه‌ها هم تقریباً در جا زده است، از جمله آموزش مربیان و بازیکنان جوان که فدراسیون برای آن هم برنامه مشخصی نداشته است. فدراسیون‌های ملی معمولاً کمیته فنی را خیلی جدی می‌گیرند و این بخش قلب فوتبال هر کشور است. آموزش مربیان به طور جدی پیگیری می‌شود و متدهای آموزش بازیکنان پایه هم دائماً در حال به‌روزرسانی است. در فوتبال ایران اما سال‌هاست که هیچ نگاه تازه‌ای در آموزش نمی‌بینیم. با وجود آمار بالای مربیان جدید، ضعف در این بخش کاملاً مشهود است و نگاهی به نیمکت‌های لیگ این را نشان می‌دهد. اکثر مربیان جوان خروجی این سیستم آموزشی حرف زیادی برای گفتن ندارند و آنهایی موفق‌تر بوده‌اند که سراغ خودآموزی رفته‌اند. در این شرایط باشگاه‌های مدعی در سال‌های اخیر چاره‌ای جز استخدام مربیان خارجی نداشتند.

کشورهای زیادی در آسیا و اروپا برای جبران عقب‌ماندگی فنی از مدرسان و مربیان خارجی صاحب سبک در کمیته فنی استفاده می‌کنند، ولی در ایران سال‌هاست که جمع محدودی این بخش را در اختیار دارند و درباره عملکردشان هم پاسخگو نبوده‌اند.

فوتبال ایران کجای نقشه‌دنیاست؟

درباره کیفیت فوتبال ایران نظرات اغراق‌شده‌ای وجود دارد و شاید همین دلیلش است که مدیران لزوم پیشرفت فنی را جدی نمی‌گیرند. در مقطعی تیم ملی به حوالی رتبه بیستم رنکینگ فیفا رسید و این تصور به‌وجود آمد که ما یکی از ۲۰ فوتبال برتر دنیا را داریم. بهترین رتبه فوتبال ایران در این رده‌بندی نوزدهم است و پس از آنکه فرمول آن تغییر کرد، نتوانستیم از رتبه بیست و نهم فراتر برویم. از طرف دیگر این رتبه که بر اساس نتایج تیم‌های ملی تعیین می‌شود، ملاک خوبی برای ارزیابی کیفیت و توانایی فوتبال یک کشور نیست. اکثر بازی‌های تیم ملی شامل مراحل مقدماتی تورنمنت‌های قاره‌ای و جهانی است و با حریفان نسبتاً ساده‌ای سروکار داریم. این



آرمن ساروخانیان

Armen Saroukhanian

«نامه فیفا» این روزها عبارت دو کلمه‌ای ترسناکی است که تن فوتبال ایران را می‌لرزاند. تازه‌ترین نامه فیفا همین چند روز پیش به فدراسیون فوتبال رسید که خواهان توضیح درباره دخالت نهادهای خارجی در پرونده ویلموتس شده بود. فیفا به طور ذاتی وظیفه خودش می‌داند که از فدراسیون‌های ملی حمایت کند و این بار هم با این تصور وارد عمل شده، ولی اگر فدراسیونی مسیر درست را ندادند یا علاقه‌ای به حرکت در آن مسیر نداشته باشد، تکلیف چیست؟ مدیران فوتبال در این سال‌ها کم‌کاری‌ها و اشتباهات زیادی داشته‌اند و پرونده ویلموتس آخرین و سنگین‌ترین ضربه بود که فدراسیون را در آستانه ورشکستگی قرار داده است.

نامه‌های فیفا سابقه‌ای طولانی در فوتبال ایران دارند. آرشیو باشگاه‌ها هم مثل فدراسیون پر از نامه‌های تهدیدآمیز فیفاست که به آنها بابت تأخیر در پرداخت مطالبات بازیکنان و مربیان اخطار داده است. اگر بازیکنان و مربیان ایرانی چاره‌ای جز قاب کردن چک‌های برگشتی باشگاه‌ها ندارند، خارجی‌ها با شکایت به فیفا می‌توانند به راحتی به پول‌شان برسند و گاهی به لطف جریمه و دیرکرد دو برابر دستمزدشان را می‌گیرند.

خامی و ناآشنایی مدیران با راه و رسم این کار فوتبال ایران را با بحران بزرگی روبه‌رو کرده است. ماجراهای فوتبال ما ظاهراً با همه جای دنیا تفاوت دارد. رسانه‌ها بیش از آنکه به اتفاقات حین بازی و درون زمین بپردازند در تسخیر جنجال‌های مدیریتی و حاشیه‌های بیرون زمین است. در هفته‌ای که گذشت هم مدیران عامل استقلال و پرسپولیس در صدر اخبار بودند و به نظر می‌رسد که با تیشه به جان این دو باشگاه افتاده‌اند.

فوتبال ایران چگونه به اینجا رسیده؟ مشکل فوتبال ایران چیست؟ در سال ۱۳۸۰ بود که با تصمیم محسن صفایی فراهانی، رئیس وقت فدراسیون فوتبال لیگ حرفه‌ای راه‌اندازی شد. همان زمان او برنامه‌هایی برای توسعه باشگاه‌ها در درازمدت داشت، ولی استعفا ناگهانی‌اش اجازه نداد که این ایده‌ها اجرایی شود. او آخرین رئیس فدراسیونی بود که نقشه‌هایی برای توسعه فوتبال داشت و فرصت پیدا کرد تنها بخشی از آنها را اجرا کند، ولی مدیران بعدی فقط سرگرم امور روزمره فوتبال شدند و نگاهی به آینده نداشتند. جمله مشهور ناصر حجازی که «در فوتبال ایران فقط شماره پیراهن‌ها خارجی شده» این روزها بیش از هر زمانی معنی پیدا کرده و در فدراسیون و باشگاه‌ها کمتر نشانه‌ای از نگاه حرفه‌ای می‌بینید.

چرا چرخ فوتبال نمی‌چرخد؟

«فوتبال یک صنعت است» کلیشه رایجی در فوتبال ایران محسوب می‌شود، ولی پیاده کردن این تئوری به یک رویا تبدیل شده است. تشبیه فوتبال به صنعت از آن جهت است که باید بتواند روی پای خودش بایستد و چرخش به کمک درآمدهای خودش بچرخد، ولی سال‌هاست که فوتبال ایران تنها مصرف‌کننده است. باشگاه‌ها در آمد زیادی ندارند، ولی با وجود استفاده از بودجه عمومی ریخت و پاش می‌کنند. آنها معمولاً در برابر این ولخرجی‌ها به کسی پاسخگو نیستند و بدهی روی بدهی باقی گذاشته‌اند. آخرین قهرمانی یک باشگاه ایرانی در آسیا به ۲۷ سال قبل (۱۹۹۳ میلادی) برمی‌گردد و در ربع قرن اخیر تنها چهار بار (استقلال، سپاهان، ذوب‌آهن